

مطالعه تأثیر تربیت ولایی در تحقق جامعه مهدوی

مریم زاهدی^۱، محمد مهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ سطح دو (کارشناسی) رشته فقه و اصول، حوزه علمیه حضرت رقیه (سلام الله علیها)، رامهرمز، استان خوزستان

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم و حدیث، دانشگاه میبد، مدرّس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

مهدی باوری و مهدی یاوری دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه ساز حکومت مهدوی باشد. روشن است که جز با تربیت فرزند، براساس اصول تربیتی اسلام محقق نمی شود. یکی از عناصر مهم در تحقق جامعه مهدوی تربیت نسلی است که زمینه تحقق چنین جامعه ای را فراهم نماید. در این مقاله سعی شده با روش جمع آوری اطلاعات از طریق مقالات، سایت ها و کتابخانه های الکترونیکی به مسأله نقش تربیت ولایی و تأثیر آن در تحقق جامعه مهدوی پرداخته شود. با بررسی های انجام شده این نتیجه حاصل شد که تربیت مهدوی و ولایی نقش بی بدیلی در تحقق جامعه مهدوی دارد.

واژه های کلیدی: مهدی باوری، مهدی یاوری، تربیت ولایی، جامع مهدوی، تربیت مهدوی

مقدمه:

اندیشه و باور مهدویت، از مهم ترین آموزهای دین مبین اسلام و در واقع، مهدویت آینه ی تمام نمایی برای آینده حتمی روشن، فراگیر، مطلوب و موعود در جهان است. نظر به اهمیت و نقش بی بدیل حضور دین در زندگی، به نظر می رسد مهم ترین رسالت زنان منتظر، توجه به تقویت بنیان های دینداری در فرزندان خود می باشد. چرا که نسل بدون دین، با اعتقادات سست و بی اساس، هرگز نمی تواند در آینده، پرچم دار حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد. به بیان دیگر، تربیت نسل مهدوی باور و مهدوی یاور، یکی از مهم ترین و اساسی ترین کارهایی است که زنان می توانند برای حفظ دینداری فرزندان شان اجام دهند. از سوی دیگر، با این عمل زمینه ظهور حضرت را با تأمین نیروی انسانی مؤمن، لایتمدار و معتقد به وجود مبارک حضرت فراهم کنند. پرداختن به ابعاد گوناگون این مسأله، از عمده ترین مباحثی است که اربابان خرد و اندیشه باید با طرح آن در مجامع علمی و مکتوبات فرهنگی نظر جامعه، به ویژه زنان را متوجه آن کنند.

گفتار اول:

شناخت و آگاهی نسبت به خود اولین چیزی است که انسان به طور مستقیم در می یابد. انسان شناسی یکی از مهمترین ارکان اعتقادی است. در بحث انسان شناسی مهدوی که منطبق بر انسان شناسی اسلامی است چند نکته قابل توجه است. در این دیدگاه انسان موجودی چند بُعدی مرکب از ابعاد معنوی و مادی است، یکی او را به عالم والا و معنا سوق می دهد و دیگری او را به عالم سفلی و اسفل السافلین می کشاند. و از برای هریک از مقامات و درجات آن [انسان] جنودی است رحمانی و عقلائی، که آن را جذب به ملکوت اعلا و دعوت به سعادت می کنند و جنودی است شیطانی و جهلانی که آن را جذب به ملکوت سفلی و دعوت به شقاوت می کنند و همیشه بین این دو لشکر جدال و نزاع است و انسان میدان جنگ این دو طایفه است. انسان موجودی مختار است و بر سر دو راهی ها، حق انتخاب دارد و بر همین اساس مکلف و مسئول است.

بند اول:**معنای تربیت:**

تربیت یک فرایند مستمر و پیوسته است و به منظور تزکیه و تهذیب فرد یا افراد مقابل، آموزش آنها و پرورش استعدادهای آنها برای رسیدن به هدف کمال نهایی که این کمال در جهان بینی و مکتب ما همان قرب الهی می باشد.

اهمیت تربیت:

کودک بعد از تولد مانند موم نرمی است که می توان آنرا به هر شکلی درآورد یعنی هم می توان او را طوری تربیت کرد که به خلیفه الله در روی زمین تبدیل شود و هم می توان به وسیله تربیت بد او را پست تر از حیوان بار آورد. بنابراین تربیت یک مقوله بسیار مهم است به طوری که هیچ کس منکر اهمیت آن نیست و نمی تواند باشد و وجود آن برای جامع پذیری و تحقق سایر اهداف آدمی لازم است.

۳

تربیت مهدوی:

تربیت به معنای پرورش است ولی و پرورش ها با هم فرق می کنند. یک نوع پرورش به معنای نمو است که به جسم و جسمانت مربوط می شود و نوع دیگر به معنی رشد که مربوط به قوای نفسانی و روحی انسان است. همانطور که بدن را می توان تحت مراقبت های خاصی تربیت کرد و حالت خاصی به آن داد، روح و نفس هم در اثر تمرین شکل می گیرد. در طول تاریخ، بسیاری در صدد تربیت انسان ها بر آمده اند ولی سلیقه های خود را اعمال کرده اند. بهترین تربیت، تربیت انبیای الهی است که افراد را برای بندگی خدا تربیت می کند؛ چون اگر شهوات در انسان رشد یابد انسان بنده شهوات می شود. انسان اگر بندگی خدا بکند « عبدالله » و بنده خدا می شود خدای تعالی همه صفات خوب را داراست و می خواهد بندگان بی رنگ شوند تا رنگ الهی پیدا کنند. پس تربیت انبیا، تربیتی است که انسان را وارد فضای نورانی می کند و یا به عبارت دیگر انسان را آسمانی می کند.

بند دوم:**چه رابطه ای بین تربیت در مکتب اسلام و معرفت امام زمان (عج) وجود دارد؟**

اگر کسی تربیت یافته ی مکتب انبیا و مکتب اسلام باشد تمام آرزویش این است که جامعه رشد کند، از فساد پاک شود و به صلاح برسد. کسانی که تربیت یافته و صالح اند قطعاً مصلح هم هستند ولی چون نمی توانند خودشان جامعه را اصلاح کنند، نیاز به مصلح جهانی را درک میکنند و منتظر ظهور آن مصلح جهانی میشوند که همه انبیا منتظر ایشان هستند.

انبیا، این مربیان بشر همگی منتظر ظهور مصلح جهانی بودند. آنها می خواستند که جامعه را اصلاح و افراد را تربیت کنند ولی چون موفق به تربیت کامل جامعه انسانی نشدند، آنها هم منتظر بودند که با ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفدا جامعه دلخواهشان تحقق پیدا کند.

بند سوم: رابطه مهدویت و تربیت:

نخستین سوالی که به ذهن تداعی میکند این است که مهدویت چه ارتباطی با تربیت دارد؟ آنچه نخست از بحث مهدویت در ذهن می رسد، جنبه کلامی و اعتقادی آن است. بدین معنا که مهدویت در اندیشه شیعی، یعنی اعتقاد به امام مهدی به عنوان منجی جهانی که روزی ظهور خواهد کرد و نابسامانی ها را از پهنه ی گیتی برخواهد داشت. همین باور ابعاد گوناگونی دارد که بعد تربیتی از جنبه های مهم آن است زیرا مهدی باوری، صرفاً یک مسأله ی بلکه تحولات گوناگون هیجانی عاطفی احساسی و رفتاری در فرد ایجاد می کند و او را برمی انگیزد تا خود را برای یآوری امام مهدی (عج) مهیا سازد چرا که یک منتظر واقعی، به لحاظ روحی و روانی هر لحظه آماده حرکت و قرار گرفتن در کنار حضرت مهدی است تا تحت فرمان آن امام بزرگوار خدمت کند. بنابراین، مهدویت تربیت از دو جهت ارتباطی نزدیک و پیوندی عمیق باهم دارند. از یک سو، تربیت صحیح، زمینه ساز ظهور حضرت مهدی است که می توان با پرورش نیروهای مخلص و متعهد به مهدویت، زمینه قیام آن حضرت را فراهم کرد. از طرفی در یک جامعه مهدوی فرزندان رشید یافته و تربیت می شوند که دارای فضایل اخلاقی می باشند و از هر گونه انحراف به دور می باشند.

بند چهارم: نقش مادران در تربیت مهدوی فرزندان:

خانواده اصلی ترین رکن برای شکل گیری و تربیت فرزندان مهدوی است و مهدوی باوری عنصری است که انسان را رهنمون می کند به فرزند آوری و تولید نسل مهدوی که بتواند امام غایب خود را در تشکیل جامعه ای مهدوی یاری گرداند. بنابراین اساس اگر پایه ی اصلی تربیت و رشد صحیح فرد برای اجتماع را در خانواده جستجو کنیم. زن به عنوان مربی خانواده و عامل اصلی انتقال ارزش ها، جایگاه ویژه ای خواهد یافت. لذا نقش انسان سازی زن در طول هستی اصیل ترین نقش های وی بوده است. با توجه به آثار عجیبی که شیر مادر در پرورش روحی و جسمی طفل دارد رعایت نکاتی بر او لازم است.

(۱) مادر خود باید از رزق حلال طیب و طاهر تغذیه کند تا عصاره آن رزق که به صورت شیر وارد بدن فرزند می شود آثار مطلوب داشته باشد و این مهم از جمله تکالیف پدر خانواده می باشد.

پدر در بدست آوردن رزق باید تقوای لازم را داشته باشد زیرا لقمه ی ناخالص و حرام آثاری بر انسان می گذارد که یکی از آن آثار پدید آوردن شقاوت است. (کلوا من طيبات و اعملوا صالحا) از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

(۲) مادر باید مراقب باشد به واسطه گناه و بی تقوایی شیر خود را آلوده نکند. اگر در حال گناه به فرزند خود شیر دهد آثار گناه به طور مستقیم به کودک انتقال می یابد و بالاخره اثر خود را خواهد گذاشت. غذای

مسموم جسم را مسموم میکند لیکن شیر آلوده به گناه و بی تقوایی روح انسان را مسموم می نماید و این مسمومیت چه بسا ممکن است در آینده یک جامعه ای را به تباهی بکشد.

۳) مادر باید در هنگام شیر دادن طفل از آرامش کامل روحی و روانی برخوردار باشد زیرا در آن لحظه حتی افکار مادر روی طفل اثر می گذارد. اگر آیات قرآن را زمزمه کند قطعا غذای روحی و جسمی مطلوبی به فرزندش خورانده است و چنانچه در دیدنی ها و شنیدنی ها، گفتار و اندیشه بی تقوایی نماید غذای نامطلوبی به فرزندش داده و این غذا کار خودش را خواهد کرد.

گفتار دوم

بند اول: عوامل موثر در تربیت نسل مهدوی و ولایی

در طول تاریخ تشیع، یکی از نقش های بی بدیل زنان، دفاع از ولایت و تلاش برای حفظ این ارزش الهی بوده است. بالاخص در عصر غیبت که نقش مردان برای دفاع از ولایت به جهت اختناق شدید کم رنگ بوده است.

تربیت نسل مهدوی از جمله دغدغه های والدین ولایت مدار، از جمله زن منتظر، به عنوان متولی اصلی تربیت است. در سده ی اخیر، کاهش کارآمدی خانواده و هجوم فرهنگ غربی، والدین را برای تربیت مهدوی با چالش هایی جدی مواجه نموده است. از سوی دیگر، پیچیدگی امر تربیت دینی در عصر حاضر، به جهت اقتضایات خاص زمانی، امر تربیت را به صعوبت خاصی دچار کرده است.

همه این عوامل ضرورت اجتناب ناپذیر اهتمام همراه با بینش و بصیرت برای تقویت بنیان های اعتقادی مهدی باوری و مهدی یآوری را میطلبد. ناگفته نماند که به رغم همه ی این چالشها، پایگاه فطری تربیت ولایی و همچنین برخورداری از نظام تربیتی که از آبشخور مبانی غنی و ناب سرچشمه میگیرد، می تواند بهترین سرمایه برای متولیان امر تربیت ولایی و شکوفایی فطرت، در صدد تقویت عواطف و احساسات فرزندان خود نسبت به امام زمانشان باشند؛ چرا که آنها در درون خود از گرایش به سوی انسان کامل برخوردار هستند.

اکنون سعی بر این است که پاره ای از سازوکارهای تربیت مهدوی در عصر حاضر اشاره گردد:

۱) انتخاب شایسته

قدم اول در ایجاد مجموعه ای کارآمد و سالم، انتخاب افراد توانمند شایسته است. در خانواده نیز که از لحاظ مدت مجموعه و اهمیت آن، مجموعه حساس محسوب میشود، انتخاب همسر شایسته اهمیت ویژه ای دارد. بخاطر همین مسأله است که پیامبر اکرم می فرمایند: بهترین متاع دنیا همسر پارساست و در جای دیگری

چنین می فرمایند: برای نطفه های خویش فردی مناسب اختیار کنید به هم شأن خود دختر دهید و از آنان دختر بگیرید.

با توجه به نقش پدر در تربیت فرزند، مادرانی که طالب تربیت یک نسل مهدوی هستند می بایست

در هنگام انتخاب همسر، دقیقاً به این مسئولیت تربیتی توجه داشته باشند و هنگام همسرگزینی، فردی را برگزینند که ولایتمدار و از خانواده ای اصیل باشد و عشق و محبت به امام زمان (عج) در او نهاده شده باشد، زیرا پدری که خود برخوردار از عشق و محبت نسبت به امام زمانش نباشد، نمی تواند در ایفای رسالت تربیت نسل مهدوی توفیقی داشته باشد و از سوی دیگر، تقید پدر در عمل به واجبات و به حلال و حرام الهی، بالاخص تقید او به آوردن لقمه ای حلال بر سر سفره ی خانواده در دیندار کردن فرزندان و و تربیت نسل ولایی فوق العاده مؤثر است.

مادران منتظر باید بدانند یکی از مسؤولیت های که از طرف شارع مقدس بر عهده ی آنان گذاشته شده، تلاش برای یک نسل ولایی است. از این رو، عمده ترین نقش آفرینی های زن منتظر، منتظر پروری است. بدان جهت اولین گام برای تربیت نسل ولایی، انتخاب همسر ولایتمدار است که در آینده بتواند پدری موفق در تربیت نسل دوستدار ولایت باشد. حال آنکه متأسفانه غالباً در زمان انتخاب همسر، از آن غفلت می ورزیم و براساس معیارهای خود عمل می کنیم و بعد هم انگشت حسرت به دهان می گیریم که چرا چنین شد.

۲) توجه به آموزه های دینی هنگام انعقاد نطفه

بر اساس آموزه های دینی، یکی از مراحل که در تکوین شخصیت دینی و ولایی فرزندان ما می تواند مؤثر باشد، مرحله ی انعقاد نطفه است. از این رو، دستورات زیادی از سوی شارع مقدس برای این مرحله صادر گردیده است که بی تردید توجه به این دستورات می تواند نگاهی مؤثر برای تربیت نسل ولایی باشد.

۳) رعایت الزامات دوران بارداری

یکی دیگر از مقاطع و مراحل تأثیر گذار در تربیت نسل مهدوی، دوران بارداری مادر است، که در شکل گیری شاکله ی دینی فرزندان فوق العاده مؤثر است. کلیه ی حالات، سکنت، رفتارها و حتی خطورات فکری و ذهنی مادر در فرزند تأثیر گذار است. صرفاً مادری که خود علقه ی عاطفی و فکری با مولای خود امام زمان (عج) داشته و این علقه نمود عملی در زندگی او دارد می تواند منتقل کننده ی آن به فرزند خود باشد. تجربه نشان می دهد خواندن دعاهایی که تقویت کننده ی ارتباط با ائمه اطهار است می تواند در تربیت نسل مهدوی مؤثر باشد. اگر در آموزه های دینی در دوران بارداری سفارش به خواندن دعاهایی چون زیارت جامعه

کبیره، زیارت عاشورا، دعای عهد و دعای فرج گردیده است، بدین جهت است که ارتباط مستدام مادر با این مضامین دعایی، مستقیماً در جنین گذار است و نسلی عاشق ولایت را می پروراند.

روانشناسان بر این باورند که حالات روانی و هیجانی یا حتی فعالیت های جسمانی مادر در شخصیت کودک مؤثر است. تراوش هورمون هایی که در شرایط فشارهای هیجانی یا روانی صورت می گیرد تأثیر بر جنین می گذارد. ذکر و یاد حضرت مهدی (عج) و انجام وظایف مهدوی از سوی مادر می تواند در تربیت نسل منتظر مؤثر باشد. علاوه بر آنچه ذکر شد، ارتزاق مادر از لقمه ی حلال در طول بارداری، از جمله مسائلی است که در تربیت نسل دیندار و ولایی نقش دارد.

۴) توجه به آموزه های کوچک، ولی مهم در بدو تولد

آنچه از مضامین روایی فهمیده می شود این است که برخی از مسائلی کوچک، اثرات بزرگی در سرنوشت و شاکله ی دینی انسان دارد. از جمله آنها که در دین مورد تاکید قرار گرفته است مسئله تحنیک یا باز کردن کام نوزاد هنگام تولد است. اینکه با چه چیز کام نوزاد باز شود می تواند در علایق و گرایش های او در بزرگی تأثیر گذار باشد.

در روایات متعددی آدابی جهت باز کردن کام فرزند به ما رسیده است. به دلیل اهمیت مسئله، به برخی از آنها اشاره می شود:

«حنکوا اولادکم بماء الفرات»: کام نوزدان خود را با آب فرات بردارید. همچنین امام صادق علیه السلام به سلیمان بن هارون بجلی فرمود: «ما اظن احد یحنک بماء الفرات الا احبنا اهل البیت»: گمان نمی کنم کسی با آب فرات کام نوزاد را بردارد، مگر آنکه ما خاندان را دوست بدارد.

از دیگر دستورات دینی مربوط به بدو تولد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد است، رسول اکرم (ص) در همین زمینه می فرمایند: هر کس صاحب فرزندی شد، در گوش راستش اذان بگوید و در گوش چپش اقامه بخواند، درستی که این عمل باعث دوری شیطان خواهد شد. نام گذاری مناسب فرزند، عقیقه، تغذیه بچه با شیر مادر و.... از دیگر آموزه های مربوط به این دوران است.

۵) دوران شیردهی

مادرانی که توفیق ارتزاق فرزند خود با شیری که محصول لقمه حلال است را می یابند و همچنین مادری که با وضو به فرزند خود شیر می دهد و از ذکر و یاد خدا در هنگام شیر دهی غافل نمی شود قطعاً بیش از دیگران توفیق تربیت مهدوی باور و مهدوی یاور را خواهد داشت تأثیر شیر مادر در پرورش شخصیت معنوی فرزندان امری مسلم و انکار ناپذیر است. مادری که شیر او آمیخته با ذکر و یاد حضرت مهدی (عج) است و در طول شیردهی خود ذکر و یاد امام را بر لب و قلب دارد قطعاً این عشق و علاقه به

فرزند او منتقل می شود؛ چرا که تحقیقات روان شناسی حاکی از این مسئله است که کلیه ی عواطف، علاقه ها و دلبستگی های مادر، هنگام شیر دادن به فرزند هم منتقل می گردد.

۶) القای محبت به ولی خدا در دوران کودکی

گرچه در نظام تربیتی اسلام هرگونه آموزش رسمی و سخت گیرانه در دوران کودکی مردود است و اصل بر آزاد و رها گذاردن کودک است، ولی این نکته مورد تاکید دین قرار گرفته است که دوران کودکی دوران شکل گیری شخصیت دینی، عاطفی، عقلی و.... کودک است. روح احادیث در این زمینه دلالت دارند که در دوران کودکی (هفت سال اول) عنایت خاصی بر مؤانست کودک با مقوله های مذهبی و اخلاقی شود.

نظر به محدودیت قدرت درک و فهم کودک از ارزش های اخلاقی به لحاظ رشد نیافتگی او از لحاظ اجتماعی، بیشترین تلاش مربیان در این مرحله باید متوقف بر ایجاد رغبت، علاقه و انس در کودک نسبت به ارزش ها و مفاهیم اخلاقی از جمله مسئله ی ارتباط با ولی خدا باشد.

از این رو، کلیه ی رفتار پدر و مادر، بالخصوص مادر، نقش ویژه ای در شکل گیری شخصیت کودک دارد. اهمیت نقش مادر از آن جهت است که در این دوره بیشترین ارتباط را با فرزند دارد و در شکل گیری شاکله ی شخصیتی فرزند موثر است و به تعبیر متخصصان تعلیم و تربیت، کودک بسان یک دوربین فیلم برداری بسیار دقیق و هوشمند، مشغول فیلم برداری هوشمندانه از رفتار مادر است و مادر بدون اینکه درصدد آموزش مفاهیم به فرزند خود باشد، با رفتار و کردار خود در حال آموزش غیر رسمی به فرزند خود است. کودک اکثر مهارتها و دانستنی ها را در این دوران، بدون واسطه از خانواده خود دریافت می کند. اولین مطلبی که کودک فرا می گیرد تاثیر بسزایی دارد و به تعبیر امیرالمومنین «العلم فی الصغر علی الحجر» دانشی که در کودکی فرا گرفته می شود، مانند نوشته بر سنگ است. لذا ماندگاری آموزه های خانواده مسؤولیت سنگینی را برای مادر منتظر رقم میزند.

در نظام تربیتی اسلام تاکید بر تلفیق جنبه های نظری (گفتاری) و عملی (کرداری) در عرصه ی تربیت شده است حتی وزن عمل، بیشتر از گفتار و سخن است. لذا تاکید بر وحدت قول و عمل در همین راستاست. اینکه پیامبر گرامی اسلام در بسیاری موارد ابتدا عمل می کرد و از مردم نیز قبل از درک معنی واقعی ک عمل، تقاضای انجام آن عمل را می نمود، دلیل پر اهمیت بودن عمل است.

از این روست که مادر منتظر باید فرصت طلایی شکل گیری شخصیت فرزند را غنیمت شمرده و پایه ها و بنیان های اعتقادی فرزندش را با ارائه ی رفتارهای برگرفته از مبانی دینی و اخلاقی تقویت نماید. زن منتظر اگر بنا دارد فرزندی مهدوی باور تربیت کند، باید بداند که هرچه محبت و دلبستگی و ارتباط

قلبی او با حضرت بیشتر باشد و این علقه در رفتار وی (که فرزندش شاهد آن است) نمود عینی داشته باشد، به همان میزان می تواند این محبت و دل باختگی و عشق را به فرزند خود، بدون آنکه نیاز به آموزش رسمی باشد، انتقال دهد. وقتی فرزند عشق سرشار مادر به امام زمان را مشاهده می کند و وقتی مادر فضای خانه را معطر به عطر یاد و ذکر حضرت می کند، این فضای آکنده از عشق و محبت، در ساختن شخصیتی محب و عاشق نسبت به امام زمان مؤثر خواهد بود.

تاکید می گردد که دوران کودکی، دوران استفاده از ابزار استدلال و منطق نیست و آنچه در این دوران اثرگذار است جنبه های احساسی و عاطفی، آن هم به صورت عملی است. باید برای موفقیت در امر تربیت صفات و ویژگی های فکری و رفتاری صحیح باشند؛ چرا که بخش عظیمی از تربیت ولایی به حوزه های رفتاری عینی و عملی مربوط می شود. باید برنامه تربیتی مادر متوجه ویژگی ها و رفتارها ی عینی و عملی مشخص، مفروض و پذیرفته شده عام باشد تا بتواند زمینه های لازم را در فرزندان خود جهت پذیرش و قبول آن صفات و ویژگی ها فراهم نماید.

به بیان دیگر، مادر باید خود نسبت به اصول و مبانی تعلیم و تربیت و پرورش یک نسل ولایی، علاوه بر شناخت، التزام داشته باشد. لذا مادر منتظر می بایست به اعتقادات خود ایمان بیاورد، زیرا ایمان تلفیقی از اعتقادات قلبی و التزام عملی است. اگر مادر منتظر از انجام رفتارها ی مخالف با میل ولی خدا خودداری کرد و به صورت مستقیم و غیر مستقیم نشان داد که به خاطر حاضر و ناظر بودن حضرت مهدی از انجام این کار خودداری کرده است، باور به حضور ولی خدا در فرزند نیز به صورت جدی تقویت می شود.

مادر به عنوان مدیر داخلی خانواده می تواند فضای داخلی خانه را به گونه ای مدیریت نماید که این فضا سرشار از یاد و محبت و عشق نسبت به امام زمان، از طریق ارائه ی برنامه های عینی و عملی باشد. همچنین باید به این نکته ی مهم توجه کند که اگر خانواده رسالت خود را به درستی انجام ندهد، افراد و نهادهای دیگری هستند که ممکن است با آموزشهای ناروا، فرزند را به وادی دیگری بکشانند.

۷) تعمیق محبت به ولی خدا در دوران نوجوانی

دوران نوجوانی در نظام تربیتی اسلام دوران اطاعت است. در این دوره باید آموزه های دینی به صورت آمیزه ای از احساس و عقل به بچه ها ارائه گردد؛ زیرا در این دوره کودکان دارای احساس و عواطف محض هستند و نه برخوردار از قدرت عقلانی، از این رو متولیان تربیت باید هنرمندانه با آمیختن عقل و احساس و گره زدن اندیشه، عاطفه و محبت، در پی عمق بخشی به محبت و عشق نوجوانان نسبت به امام زمانشان باشند. اگر پدران و مادران توفیق یابند که در این دوره عشق همراه با معرفت را در فرزندان خود ایجاد نمایند، تا حدود زیادی توانسته اند به رسالت خود در تربیت نسل ولایی عمل کنند.

از جمله مهارت‌های تربیتی تاثیر گذار در این دوران تاکید به تقسیم بندی امور و رفتارهای خوب و خوب ترین و همینطور بد، بدتر و بدترین است. اگر این تقسیم بندی در کودک نهادینه شود، در مرحله ی عمل و رفتار، محتاط تر خواهد بود و دست به انتخاب میزند.

همچنین شناخت آثار مترتب بر رفتار عاقلانه و کارایی های عقل و نیز نحوه استفاده از آن از جمله مهارت‌هایی است که مادر منتظر به فرزند خود می آموزد.

یکی از راهکارهای مؤثر برای ایجاد عشق و محبت نسبت به ولی خدا در نوجوانان، استفاده از صناعات ادبی چون مجاز، تشبیه، استعاره، و آرایه های ادبی است؛ چرا که تاثیر کلام ادبی موزون و فصیح در نوجوانان بسیار زیاد است. بالاخص عنصر خیال انگیزی ادبی در نوجوان بسیار زیاد است. نوجوان در این دوره به کلام بلیغ و آراسته به زیورهای ادبی بسیار علاقه مند است. بالاخص عنصر خیال انگیزی ادبی در نوجوان تاثیر بسیار شگفت و مرموزی دارد. خیال انگیزی سبب تحریک عاطفه و احساس نوجوان است و موجب افزایش اثرپذیری در او میشود.

نکته قابل توجه این است که ببینیم آن گاه که مولای متقیان قصد دارند که فرزند خود امام حسن مجتبی را که در سنین نوجوانی بودند مورد خطاب قرار دهند و آخرین وصایای خویش را به فرزندشان برسانند، چقدر زیبا در نامه ی ۳۱ نهج البلاغه از صناعات و شیوه های ادبی اعم از مجاز، تشبیه، استعاره و آرایه های ادبی استفاده میکنند؛ چرا که کلام ادبی موزون فصیح در نوجوان بسیار زیاد است.

نکته ای که در این دوره، متولیان تربیتی برای تربیت نسل منتظر می بایست متوجه آن باشند این است که در آموزه های دینی، ضمن اینکه حب اهل بیت را اساس دین و نظام دین دانسته ند، نویدهای زیادی نیز برای محبین اهل بیت داده اند. نویدهایی چون «الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا له، الا و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، الا و من مات علی حب آل محمد مات بشره ملک الموت بالجنه»

یعنی هرکس با محبت آل محمد بمیرد آمرزیده می شود، شهید مرده است، فرشته مرگ او را به بهشت مژده می دهد.

همچنین آثار زیادی برای حب اهل بیت (ع) در روایات مطرح شده است، از جمله اینکه کمال دین است، نور در قیامت است، ایمنی در قیامت است، موجب ثبات در صراط است، انسان را بهشتی می سازد، موجب محشور شدن با اهل بیت است و درنهایت موجب خیر دنیا و آخرت و نجات از عذاب قبر است.

بیان این آثار با بهره گیری از فنون فصاحت و بلاغت و صناعات ادبی، برای تقویت گرایش به ولی زمان در نوجوان بسیار تاثیر گذار است. امام صادق (ع) فرمودند: معرفت محبت می آورد و محبت از روی معرفت است که تبعیت و پیروی می آورد لذا حب اهل بیت زمانی عمق پیدا می کند که همراه با معرفت باشد.

زمان ایجاد معرفت نسبت به اهل بیت دوران نوجوانی است که اولیای تربیتی، از جمله زن منتظر، باید مطابق با ادبیات نوجوان و با توجه به سلايق آن ها، دامنه ی معرفت نسبت به ائمه ی اطهار، بالاخص وجود مبارک امام زمان را گسترده نمایند تا حب بسیط و ساده ی دوران کودکی، به وسیله ی معرفت عمق پیدا نماید و در این صورت است که تبعیت و همراهی با امام زمان را به دنبال خواهد داشت.

۸) ترویج محبت به ولی خدا در دوران جوانی

دوره ی جوانی در نظام تربیتی اسلام دوره ی وزارت و همراهی است. اگر پدر و مادر و متولیان تربیت توفیق یافته باشند تمامی گام ها ی مذکور را با موفقیت طی نمایند، جوان آنان در این دوره به بالاترین مرحله ی تکامل اخلاقی، که مرحله اخلاقی مستقل و خود پیرو است می رسد که در آن، قوانین حاکم بر رفتار اخلاقی از درون سرچشمه می گیرد.

این در حالی است که در مراحل کودکی و نوجوانی، بیشتر از بیرون دستور می گیرد. در مرحله ی اخلاق مستقل و خود پیرو، عامل جهت دهنده، وجدان و درون فرد است.

جوانی که تحت تربیت اصول صحیح قرار گرفته است به مرحله ای می رسد که به صورت خود جوش و با الهام درونی، به دنبال ولی خدا حرکت می کند؛ زیرا وجود صفات پسندیده در حضرت جاذبه و کششی درونی به سوی انسان کامل ایجاد می کند. عقربه ی وجود او به صورت خودجوش و درونی به سمت انسان کامل حرکت می کند و نه تنها خود جذب وجود امام می گردد و تمام وجود او سرشار از عشق و محبت همراه با معرفت نسبت به امام عصر می گردد، بلکه می تواند ترویج دهنده ی فرهنگ مهدویت در بین گروه سنی خود باشد.

امام صادق (ع) خطاب به همه مسؤولان و مربیان فرموده اند: «علیکم بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر» جوانان را دریابید که آنان به سوی هر خیری شتابان ترند. این جمله از زمینه های مساعد دوران جوانی برای کاشتن بذر محبت به امام زمان خبر می دهد. اگر زیبایی های حکومت مهدوی ترسیم شود، هیچ چیزی به اندازه وجود مبارک امام زمان و برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی برای جوان جاذبه ندارد؛ زیرا جوانان تحقق تمامی آرمانها و آرزوهای بلند خود را در پناه برپایی حکومت جهانی حضرت می بینند از این رو، اگر صحیح تربیت شده باشند و سرمایه های آنها به خوبی هدایت شوند، به یک جریان قدرت مند برای زمینه سازی حکومت حضرت تبدیل میگردند.

با استفاده و بهره گیری و جهت دهی مناسب سرمایه های ارزشمند جوانان، می توان از آن در راستای حکومت جهانی حضرت مهدی و اشاعه ی این فرهنگ به خوبی بهره جست. لازم به ذکر است که جهت دهی این سرمایه ها و استفاده از این نیروی شگفت، کاری بسیار حساس و مشکل است. مربی باید با آگاهی،

شناخت ایمان، اعتقاد با هم فکری و همگامی با جوانان و با ادبیاتی می بایست به آموزه های دینی، از جمله این سخن گوهر بار رسول خداتوجه کند که فرمودند: به همه ی شما توصیه می کنم نسبت به جوانان با نیکی و نیکو کاری رفتار کنید و شخصیت آنان را محترم بدارید و آنان را چون وزیر و مشاور برای خود برگزینید و در امور و حوادث، آن ها را همراه خویش قرار دهید. این آموزه ها را باید نصب العین خود قرار دهیم و از جوانان مشاوره و یاری بگیریم.

ضمناً متولیان تربیتی جوانان باید به این نکته توجه داشته باشند که کوچکترین اشتباه و بی توجهی آنها می تواند سبب خارج شدن جوان از مسیر امام زمان گردد.

بند دوم: عصر غیبت فرصتی برای زمینه سازی

سنت الهی بر این امر تعلق گرفته تا مجموعه ای از شرایط مهیا نگردد، ظهور محقق نخواهد شد و تحقق این شرایط منوط به تلاش پیگیر تمامی حق جویان و مهدی یاوران است.

در فرهنگ مهدوی، عصر غیبت یک عصر تاثیر گذار در تحقق و تسهیل ظهور منجی، به حساب می آید، به گونه ای که آن را عصر پیدایش زمینه های تحقق ظهور می دانند.

بند سوم: جامعه مهدوی آرمان شهر نبوی

اندیشه ساختن مدینه فاضله که در آن، شهروندان فضیلت محور و ارزش مدار زندگی کنند. از دیر باز، ذهن متفکران و دلسوزان بشر را به خود مشغول کرده است. هرکدام از این متفکران و... برای رسیدن به آن جامعه ی آرمانی، راه حل هایی را ارائه کرده اند. راهکارهای شیعه، موقف حیاتی «بعثت»، «غدیر»، «ظهور» است آیا در حرکت بی نهایت انسان و تحقق آرمانشهر موعود، این دو عامل بعثت و غدیر است و با وجود قانون و فهم عاری از خطا، بشریت به سر منزل مقصود می رسد یا نه؟ آیا برای تکمیل این فرایند، حلقه ای مفقود است که باید آن را یافت؟ اگر عناصر لازم برای هدایت بشری، طبق قواعد عقلی و کلامی، تهیه و تعبیه شده است، چرا بشریت و حتی مسلمانان و شیعیان، به آرمان شهر موعود و مدینه فاضله نرسیده اند؟ در تفکر شیعی، حلقه مفقود – که بسیار حساس و حیاتی است – آن است که نه تنها انسانها برای پیمودن مسیر خود محتاج به تلقی معصومانه از وحی و تفسیر صواب و برخاسته از عصمت آن است که در اجرای آن قانون و برداشت نیز محتاج به توان و «مدیریت معصوم» اند.

این همان خلایی است که پس از رحلت پیامبر بوجود آمد. با وجود اعتراف به فضل و علم و فهم ممتاز علوی، با بهانه های کودکانه، عرصه مدیریت جامعه را مستغنی و مستقل از توان معصوم معرفی نمودند و تاریخ در عمر دراز خود، سرخوردگی انسانیت را از این محرومیت، به کرات مشاهده کرده است. جامعه منتظر در صورتی می تواند در ترسیم وضعیت آینده جهان، جامعه ای با کیفیت و اثرگذار و الگویی برای دیگر ملتها

باشد که به اصول و آرمانها ی خویش، پافشاری کند و بایسته های جامعه آرمانی دین «مهدویت» را سرلوحه فعالیت خود قرار دهد.

نتیجه گیری

آنچه از این تحقیق حاصل آمد اینست که در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت که پیچیدگی تربیت در عصر حاضر و همچنین تلاش بی وقفه ی مهاجمان فرهنگی برای تخریب فرهنگ مهدوی و جلوگیری از اشاعه ی این فرهنگ، اهتمام جدی مادران و آشنایی آنان با سازوکار تربیت نسل مهدوی را می طلبد. لذا بدون بهره گیری از آداب و دستورات دین، نمی توان در تربیت نسلی ولایی، که یکی از مهم ترین رسالت های یک منتظر است، موفق بود.

منابع و مأخذ

*قران کریم

کتاب ها

۱. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، محمدرضا کاشفی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۳۸۴، ص ۴۰_۳۳
۲. فراهایی از اسلام _ بررسی اسلامی، علامه طباطبایی، ص ۲۵
۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، جلد ۱۰۰، ص ۲۲۲
۴. تربیت و بازسازی کودکان، قائمی امیری، دکتر علی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

سایت ها

۱. سایت www.ensami.ir ساعت ورود ۱۵:۰۰ خروج ۱۶:۰۰ تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۲۷
۲. سایت www.article.tebyan.net ساعت ورود ۱۲:۳۸ خروج ۱۴:۱۵ تاریخ ۱۳۹۹/۰۵/۳۰
۳. سایت www.bonyab-farhangioaqr.ir ساعت ورود ۱۶:۳۳ خروج ۱۷:۳۰ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۵
۴. سایت www.howzah.net ساعت ورود ۱۷:۳۰ خروج ۱۹:۴۰ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۰
۵. سایت www.tarbiat-din.blogfa.com ساعت ورود ۱۶:۵۷ خروج ۱۸:۳۲ تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۳